گزارش

در نشست خبری سریال «دخترم نرگس» بیان شد:

از ظرفیت استان‌ها بیشتر استفاده شود

گروه رسانه

نشست خبری سریال «دخترم نرگس» با حضور بازیگران و عوامل سریال و اهالی رسانه در صداوسیما برگزار شد. به گزارش جام‌جم، نشست رسانه‌ای سریال «دخترم نرگس» ظهر روز گذشته با حضور سیدحسن فرخی و داوود سلیمان‌پور تهیه‌کنندگان، باقر پیران کارگردان این سریال و برخی بازیگران در سالن کوثر رسانه ملی برگزار شد. ازجمله هنرمندان حاضر در این نشست، محمود پاك‌نیت، رحیم نوروزی، مریم خدارحمی، مریم بارسنجی و جمال ذوالقدر بودند.

در ابتدای نشست، سلیمان‌پور، یکی از تهیه‌کنندگان سریال با بیان این‌که «دخترم نرگس» در ۲۷ قسمت و به سفارش مرکز سیمای استان‌های صداوسیما در مرکز آذربایجان غربی تولید شده است اظهار کرد: نگارش فیلمنامه در نیمه دوم سال ۹۷ به انجام رسید و از مهرماه پارسال هم فیلمبرداری سریال شروع شد و به موازات، دیگر کارهای فنی همچون ساخت موسیقی و تدوین هم پیش رفت. وی با اشاره به نتایج نظرسنجی‌های اخیر درخصوص این سریال گفت: رضایت مخاطبان بزرگ‌ترین سرمایه برای تولیدکنندگان این سریال است.

باقر پیران، کارگردان مجموعه «دخترم نرگس» هم در این نشست با اشاره به محورهای اصلی داستانی این سریال اظهار کرد: سوژه اصلی و قصه‌های فرعی، همگی برگرفته از فرهنگ و ظرفیت‌های گوناگون موجود در استان آذربایجان غربی بودند. البته تم پلیسی و ماجرایی داستان هم در جذب مخاطب تاثیر فراوانی داشت.

وی افزود: استقبال مخاطبان و نتایج نظرسنجی‌ها درخصوص این سریال انگیزه‌هایم را برای کار در مراکز استانی و شهرستان‌ها بیشتر کرد.

محمود پاك‌نیت با اشاره به ظرفیت‌های گوناگون موجود در استان‌ها اظهار کرد: من خودم شهرستانی هستم و حالا هم خیلی خوشحالم که سریالی در مرکز یك استان ساخته شده و توانسته است پرمخاطب‌ترین اثر نمایشی تلویزیون لقب بگیرد.

وی افزود: تمرکز امکانات در تهران، موجب نادیده‌گرفته‌شدن ظرفیت‌های فنی و انسانی در استان‌ها شده درحالی‌که می‌توان با تکیه بر ظرفیت‌های قوی در مراکز، دست به تولید آثار ماندگار زد.

پاك‌نیت با بیان این‌که حدود ۴۰۰ بازیگر در سریال «دخترم نرگس» حضور داشتند، گفت: از مسؤولان صداوسیما که شهرستان‌ها را تحت حمایت خود گرفته‌اند تشکر می‌کنم.

وی خاطرنشان کرد: مشکلات مالی در شهرستان‌ها به نسبت تهران بیشتر است. بنابراین مسؤولان صداوسیما باید حمایت‌های بیشتری از تهیه‌کنندگان و فیلمسازان شهرستانی داشته باشند تا از مهاجرت اجباری آنها به تهران جلوگیری شود. دیگر بازیگر این سریال که در نشست رسانه‌ای به گفت‌وگو با خبرنگاران پرداخت، رحیم نوروزی بود. وی با اشاره به این‌که در چند سال گذشته همه کارهایی که انجام داده در شهرستان بوده‌است، گفت: یکی از علایق همیشگی من، ایرانگردی بوده، بنابراین هر کاری از شهرستان پیشنهاد شود استقبال می‌کنم.

وی افزود: برای تولید سریال «دخترم نرگس» پنج ماه در شهر ارومیه بودیم و امیدوارم باز هم چنین اتفاقاتی رخ دهد.

مریم خدارحمی، دیگر بازیگر این سریال هم ابراز کرد: تعداد بالای مخاطبان «دخترم نرگس» موجب خوشحالی‌ام شد. وقتی سریالی با این ظرفیت‌ها تولید می‌شود و مخاطبان شبکه‌های سراسری هم از آن استقبال می‌کنند، گویای کیفیت بالای کار است.

توقف تصویربرداری مجموعه تلویزیونی «بوم و بانو» تکذیب شد

به گزارش سیمافیلم، آرمان زرین‌کوب، تهیه‌کننده مجموعه تلویزیونی «بوم و بانو» گفت: روز گذشته خبری توسط یکی از خبرگزاری‌ها منتشر شد که پروژه متوقف است؛ این خبر کذب است. ما برای رساندن پروژه به زمان پخش (ماه‌محرم) دو گروه کارگردانی گذاشتیم که به دلیل شرایط مالی توان همکاری با گروه دوم را نداریم. این بدین معنی نیست که کل پروژه متوقف است. متاسفم که می‌گویم، ما با مشکلات مالی مواجه هستیم و منکر این نمی‌توان بود اما همچنان در حال تصویربرداری پروژه هستیم و فعلا با همکاری گروه کار می‌کنیم. البته تا چه زمانی امکان این نوع فعالیت برای همکارانم هست، نمی‌دانم.

بنا بر این گزارش، مسعود رایگان، بهنام تشکر، مهدی احمدی، دیبا زاهدی، ساغر قناعت و ... از بازیگران این مجموعه تلویزیونی هستند که برای پخش در ایام محرم آماده می‌شود. «بوم و بانو» همکاری جدید سعید سلطانی به‌عنوان کارگردان و آرمان زرین‌کوب در جایگاه تهیه‌کننده پس از سریال پرمخاطب «ستایش» است.

گفت‌وگو با امیر پارسی

بازیگر پیشکسوت که او را با بازی در نقش اوستا به یاد می‌آوریم

شاید با «سیاه‌بازی» برگردم

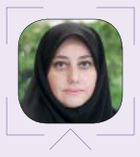

فاطمه عودباشی
رسانه

اگر از هر یک از ما پرسیده شود چه خاطره خوبی از معلم ریاضی‌تان در دوران مدرسه دارید، شاید تعداد اندکی با لبخند شروع به حرف زدن کنند و از خاطرات‌شان بگویند، اما اکثر آدم‌ها با شنیدن چنین سؤالی سگرمه‌هایشان درهم می‌رود و حتی دهن‌کجی هم می‌کنند! معلم‌های ریاضی مقصر نیستند و این رشته ایجاب می‌کند معلم‌ها بسیار هم جدی باشند و گاهی هم خشن و بداخلاق! اما در میان همین افراد، معلم‌هایی هم پیدا می‌شوند که علاوه بر جدیت، بسیار هم مهربان و شوخ‌طبع هستند. یکی از همین معلم‌ها امیر پارسی است. امیر پارسی همان کسی است که همراه با جواد انصافی نمایش‌های طنز پربیننده‌ای در تلویزیون بازی می‌کردند و در کنار بازیگری، معلم ریاضی هم بود، اما او هرگز معلمی را رها نکرد و به قول خودش در کلاس درس در عین جدیت، اما مهربان هم بود و همان ابتدای سال تحصیلی به بچه‌ها تاکید می‌کرد نمایش‌های طنز برای تلویزیون است و باید سر کلاس حواس‌شان به درس باشد. جالب است که برخی از شاگردان او راهی کار هنر شدند. مخاطبان دیروز، شخصیت‌های اوستا و عبدلی را هنوز هم فراموش نکرده‌اند، همان اوستای خسیس و طمعکاری که مرتب به شاگردش زور می‌گفت. گرچه دیگر خبری از اوستا و عبدلی نیست، اما امیر پارسی در طول این سال‌ها فعالیت هنری‌اش را قطع نکرده و همچنین معلمی را ادامه داد تا به بازنشستگی رسید. او در حال حاضر در رادیوهای سلامت و ایران مشغول به فعالیت است. بعد از چند سال به سراغ اوستای تلویزیون رفتیم و با او به گپ‌وگفت نشسته‌ایم که در ذیل می‌خوانید:

شخصیت‌های اوستا و عبدلی در جنگ‌های تلویزیونی دهه‌های ۶۰ و ۷۰، میان مردم خیلی طرفدار داشتند، اما به‌مرور کمرنگ شدند. از این موضوع ناراحت نیستید که زمانی میان مردم محبوب بودید و حالا دیگر خبری از این محبوبیت نیست و حتی نسل جوان شخصیت‌های شما و جواد انصافی را نمی‌شناسند و فقط نسل دیروز با شما خاطره دارند؟

(با خنده) خب! همه همین هستیم! مگر می‌شود کسی خارج از این قانون باشد. همه آقایان و خانم‌ها در مقاطعی نوستالژی عده‌ای بودند و خیلی هم خوب کار کردند، اما بالاخره بعد از مدتی کمرنگ شدند و این هم طبیعی است. بنابراین ما هم مستثنی از این قاعده نیستیم! اتفاقا دوره من و آقای انصافی که شخصیت‌های اوستا و عبدلی را بازی می‌کردند، خیلی طولانی‌تر از بقیه بودیم و ۱۵ سال این دو شخصیت را برای مردم ایفا کردیم. در اصل عبدلی و اوستا تقابل بدی و خوبی و شر و نیکی است که در همه جای دنیا وجود دارد. شخصیت اوستا این‌گونه بود که او طمعکار است و در زندگی نم پس نمی‌دهد، اما در مقابل عبدلی به او تذکر می‌داد و او را آگاه می‌کرد.

البته این دو شخصیت با شروع جنگ آغاز شد و در سال‌های دفاع مقدس به محبوبیت رسید.

بله، ما فعالیت‌مان را از سال ۵۹ شروع کردیم، اما با کارهای دیگر در تلویزیون. همچنین ابتدا سیاه‌بازی برای تلویزیون داشتیم، اما بعد سیاه‌بازی ممنوع شد تا مبادا به کسانی که پوست‌شان سیاه است بر بخورد؛ البته من به فلسفه وجودی ممنوعیت سیاه‌بازی هم کاری ندارم، اما مردم دوست داشتند. تا این‌که همان زمان شخصیت‌های اوستا و عبدلی طراحی شد.

پس با این صحبت یعنی ناراحت نیستید دیگر مردم مثل قبل شما را نمی‌شناسند؟!

(با خنده) نه ناراحت نیستم، اما خدا را شکر می‌کنم سال‌ها با دو شخصیت کاملاً ایرانی و کمدی خنده را به لب مردم آوردیم و با علاقه نمایش‌هایی را بازی می‌کردیم که آنها دوست داشتند.

به نظرتان اگر دوباره اوستا و عبدلی برگردند، می‌توانند نظر جوانان را جلب کنند؟

نه، چون جوانان خاطره‌ای از این دو شخصیت ندارند. البته ما هر چند وقت یکبار تکرار می‌کنیم، نه این‌که کلاً نباشیم و همانطور که مطلع هستید من سال‌هاست در رادیو فعالیت می‌کنم و دوستان پیشنهاد دادند که یك هفته در میان در برنامه کوی نشاط رادیو ایران شخصیت اوستا را داشته باشیم. فعلاً در مرحله طراحی جدید قرار دارد، اما همانطور که تاکید کردم، چون جوانان امروز نمی‌شناسند و خیلی هم نمی‌توانیم تبلیغ کنیم، زمان می‌برد تا با این شخصیت ارتباط برقرار کنند.

آیا قرار است شخصیت اوستا را در برنامه کوی نشاط به روز کنید؟

حتماً تغییراتی صورت می‌گیرد، اما من نویسنده نیستم و نویسندگان این کار را انجام می‌دهند. من هم صحبت کرده‌ام، اما نمی‌توان خیلی شاکله اوستا را تغییر داد، چون نمکش کم می‌شود. از سوی دیگر به نظرم اگر دائم این شخصیت پخش شود، در میان جوانان هم جا می‌افتد.

> ما ۱۵ سال با شخصیت‌های اوستا و عبدلی مهمان مردم بودیم و خنده را به دلشان آوردیم اگر بخواهد این شخصیت‌ها تکرار شوند باید تغییراتی اعمال شود

مکث

خاطرات تالار سنگلج

شما با آقای انصافی در خیلی از خیابان‌های تهران اجرا داشتید. نسبت به کدام یک از خیابان‌ها حس نوستالژی دارید؟

کارهای سیاه‌بازی در سالن سنگلج را خیلی دوست داشتم و خاطرات زیادی از این سالن -که یکی از قدیمی‌ترین سالن‌های تهران است- دارم. پارسال هم در این سالن اجرای سیاه بازی داشتم. این تالار به من حس خوبی می‌دهد و نفسم تازه می‌شود.

چرا در طول این سال‌ها فرم بازی‌تان را تغییر ندادید تا حداقل در سریال‌های طنز تلویزیون بازی کنید؟ آیا در طول این سال‌ها پیشنهادی داشته‌اید یا نه؟

من و آقای انصافی کارمند رسمی دولت بودیم. او در شرکت مخابرات کار می‌کرد و من در آموزش و پرورش دبیر ریاضی بودم؛ بنابراین فرصت دائم نداشتیم تا در اختیار تلویزیون و سینما بگذاریم چون نمی‌خواستیم به کار اصلی‌مان لطمه بخورد، به همین دلیل عصرها یا شب با هم تمرین می‌کردیم.

یعنی هنر اولویت دوم شما بود؟

بله، چون کار دولتی داشتیم به آن به عنوان حرفه دوم نگاه می‌کردیم. ضمن این‌که وقتی گروه‌های جدید در طنز آمدند به ما کاری نداشتند.

چرا؟

بالاخره جنس طنز ما با گروه‌های جدید فرق می‌کرد. مثلاً شما نمی‌توانید طنز اوستا و عبدلی را با جنس طنز کارهای مهران مدیری مقایسه کنید. ما کنار همدیگر هم قرار بگیریم، طنزمان قشنگ نخواهد بود.

مهران مدیری هیچ‌وقت به شما پیشنهاد بازی نداد؟

نه، شاید او هم فکر کرده چون جنس طنزهایمان با هم تفاوت دارد، پیشنهاد نداده است. نه تنها مهران مدیری، بلکه جنس طنزمان با رضا عطاران، سعید آقاخانی و... هم تفاوت دارد.

شما و آقای انصافی برای در آوردن نقش‌تان و بده و بستان‌هایی که با هم داشتید، چقدر زمان برای تمرین می‌گذاشتید؟

از آنجا که ما روزها سر کار می‌رفتیم، عصرها یا شب‌ها به منزل همدیگر می‌رفتیم و تمرین می‌کردیم. من و آقای انصافی از سال ۵۳ با هم دوست هستیم. یکدیگر را در کاخ جوانان دیدیم و آنجا بود که آقای انصافی به من بازی در تئاتر و سیاه بازی را پیشنهاد داد. در آن مقطع دانشجویی کار می‌کردیم تا این‌که بعد از انقلاب وارد تلویزیون شدیم و کار مشترک انجام دادیم.

هنوز هم رفاقت‌تان ادامه دارد؟

بله، خانواده‌هایمان با هم رفت و آمد دارند. من در حال حاضر با پسر آقای انصافی در رادیو سلامت همکار هستم.

شما دبیر ریاضی بودید و معمولاً معلم‌های ریاضی سختگیرند و بچه‌ها هم به قول معروف دل خوشی از آنها ندارند. در آن زمان که هم نمایش‌های‌تان پخش می‌شد و هم در مدرسه تدریس می‌کردید، بچه‌های مدرسه از شما حساب می‌بردند؟

(با خنده). بهتر است نگوییم حساب می‌بردند. بچه‌ها واقعاً احترام می‌گذاشتند و من هم با آنها دوست بودم و هنوز هم با برخی از آنها رفت و آمد دارم.

یعنی روحیه طنازی در کلاس درس آن هم ریاضی داشتید؟

جوان‌تر که بودم بیشتر در کارم سختگیر بودم، اما سنم که بالاتر رفت، فروکش کرد و ابتدای سال تحصیلی با بچه‌ها حرف می‌زدم و به آنها تاکید می‌کردم سر کلاس باید حواس‌شان به درس و مشق باشد. وقتی درس تمام می‌شد در انتهای کلاس با هم حرف می‌زدیم، لطیفه تعریف می‌کردیم. اتفاقا تعدادی از شاگردانم در تلویزیون و تئاتر فعالیت می‌کنند.

گاهی بچه‌ها قبل از آمدن معلم به مدرسه، شوخی‌هایی می‌کنند تا از این طریق معلم‌شان را اذیت کنند. از این نوع اتفاقات برای شما رخ داده است؟

نه، ما از این حرف‌ها اصلا نداشتیم. موقعی که درس می‌دادم جدی بودم و هیچ احد الناسی جرات نداشت از این شوخی‌ها کند. شاید برایتان جالب باشد اما یکی از شاگردانم که به سمت هنر رفته و چهره شده، علی فروتن یکی از عموهای فیتیله ای است.

آیا تا به حال پیش آمده بود علی فروتن را تنبیه بدنی کنید؟ چون پسر بچه‌ها شیطنت کم ندارند.

(با خنده)، نه. مقطع راهنمایی در مدرسه ما بود که من هم معاون مدرسه بودم. زمانی که او هنرستان رفت، آرام آرام به هنر علاقه مند شد. خودم معمولاً بچه‌هایی که مستعد بودند را به تئاتر و تلویزیون تشویق کردم.

همان زمان فکر می‌کردید آنها سر از دنیای هنر در بیاورند؟

نه، راستش فکر نمی کردم، اما می‌دیدم استعداد دارند همیشه برایشان آرزوی موفقیت می‌کردم.

فکر می‌کنید اوستا و عبدلی چقدر لبخند به لب مردم آورده‌اند؟

خیلی مردم را خنداندیم. آن زمان دو شبکه تلویزیون بود که از ساعت ۱۶ تا ۲۳ برنامه داشت. جنگ بود و ما هم جزو گروه های معدود در طنز بودیم و سعی می‌کردیم مردم را شاد کنیم و آنها را بخندانیم.

دوست دارید دوباره به دوران اوج برگردید؟

(با خنده) نه خانم! مگر می‌شود جلوی سن و سال را گرفت. دیگر ما انرژی سابق را نداریم.

یعنی خودتان را پیر می‌دانید برای برگشت به اوج؟

نه خودم را پیر تصور نمی کنم. اما انرژی ای که در ۲۵ سالگی داشتم، مسلماً در ۶۵ سالگی ندارم، حتی نمی شود مقایسه کرد. در آن زمان نویسندگان متبحر همچون زنده یاد صادق عبداللهی داشتیم، اما الان این طور نیست. نمی‌دانم چرا، اما این حرف‌ها را شنیده ام که می‌گویند کار نویسندگان قدیمی یا شخصیت های اوستا و عبدلی نخ نما شده است.

از این‌که به شما می‌گویند نخ نما شده‌اید، ناراحت نمی‌شوید و دلتان نمی‌شکند؟!

(با خنده) نه برای چه ناراحت شوم. به فرض هم ناراحت شوم، چه کار می‌توانم بکنم. البته این حرف‌ها، بیشتر فردی است و نه همگانی در حال حاضر من در رادیو نقش‌های دیگری اجرا می‌کنم. در برنامه کوی نشاط رادیو ایران حضور دارم. همچنین برنامه کوچه سلامت پلاک ۱۰۲ به صورت زنده روزهای جمعه از رادیو سلامت پخش می‌شود و من در این برنامه نمایش‌های کمدی به روز را اجرا می‌کنم.

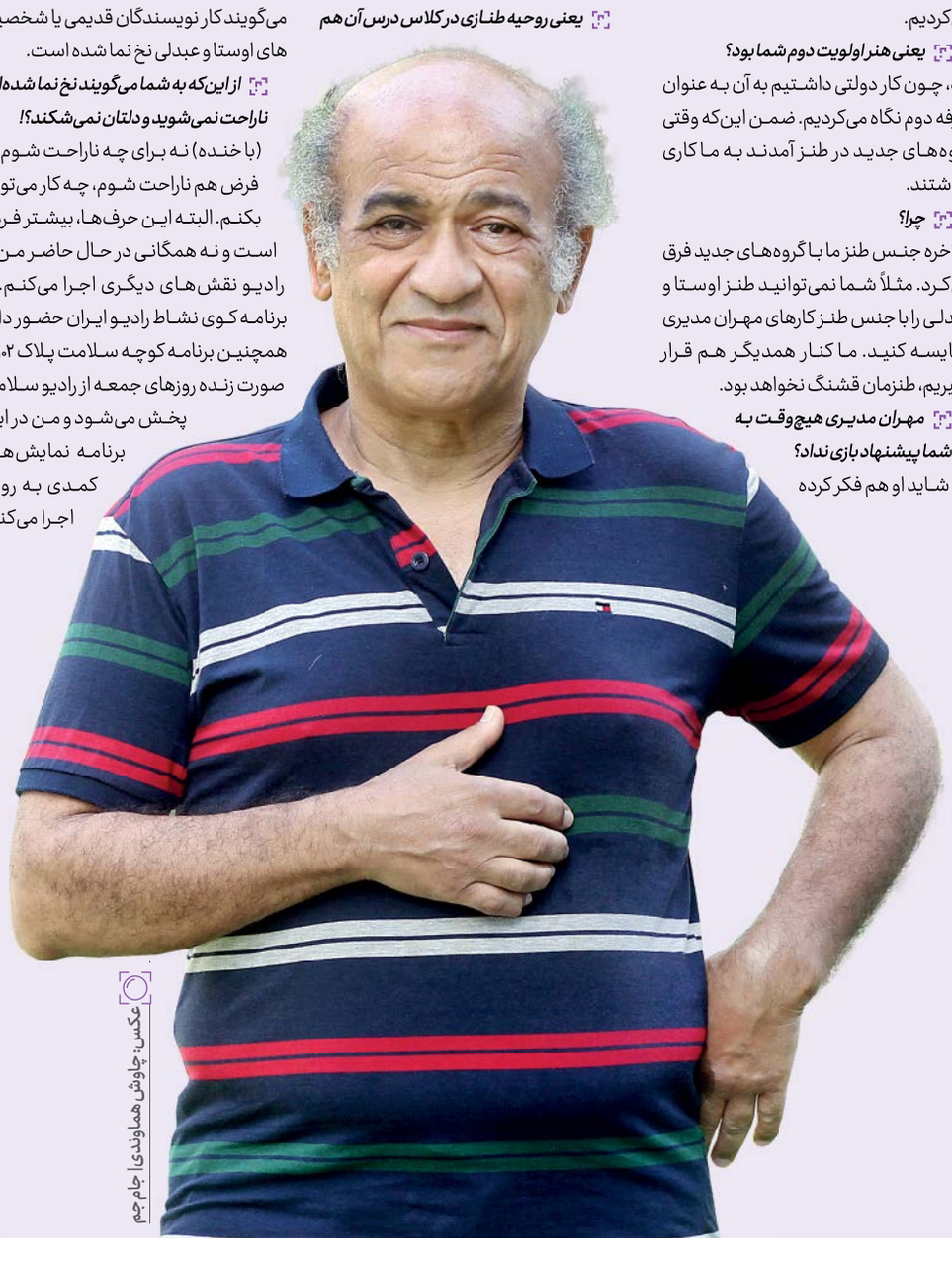

عکس: جاوش همایونی | جام جم

مکث

جایگاه سیاه‌بازی در ایران

به نظرتان سیاه‌بازی در ایران جایگاه خودش را دارد؟

نه، ندارد، اما باید داشته باشد. باید حافظ این هنر قدیمی‌مان باشیم. امیدوارم مسؤولان هم حمایت کنند. شبکه جام‌جم قبل از این‌که کرونا تا این میزان در کشورمان پررنگ شود از من و آقای انصافی خواسته بود هفته‌ای یک روز نمایش سیاه‌بازی داشته باشیم، اما کرونا برنامه‌هایمان را به هم ریخت. امیدوارم مسؤولان هم به جای سنگ‌اندازی از این هنر حمایت کنند و آن را به جوانان اشاعه بدهیم.

به نظرم علت استقبال از اجرای سیاه‌بازی این بود که این مجموعه نمایشی از دل مردم آمده بود.

آواز می‌خوانم. با این‌که برنامه با محوریت پزشکی و سلامت است، اما کارهای نویی انجام می‌دهیم.

آیا از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده می‌کنید؟ چه میزان از رفتارهای مردم برای تیپ‌های نمایشی‌تان الهام می‌گیرید؟

بچه‌هایی که تئاتر کار می‌کنند یا در تلویزیون و سینما هستند، حتماً از تیپ‌ها و رفتارهای مردم الگو می‌گیرند. من هم تیپ‌های با نمک جامعه را در ذهنم آرشیو و به‌موقع در نمایش‌ها خرج می‌کنم.

الان که کرونا هم هست از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده می‌کنید؟

من همیشه از اتوبوس و مترو استفاده می‌کنم، به‌ویژه وقتی وسط شهر کار دارم و نمی‌توانم ماشین ببرم، اما در دوره‌ای که کرونا آمده با ماشین خودم رفت و آمد می‌کنم.

آیا هنوز هم وقتی مردم در کوچه و خیابان شما را می‌بینند برای احوالپرسی نزدیک‌تان می‌شوند یا نه؟

با توجه به این‌که در این سال‌ها شخصیت‌های اوستا و عبدلی خیلی تکرار نشده برخی مردم نمی‌شناسند، اما قدیمی‌ها خوب به یاد می‌آورند. اتفاقاً مردم خوش ذهنی داریم. به یاد دارم سال ۲۰۰۳ برای کاری راهی آلمان شدم و می‌خواستم سری به شهر کاسل که شمال ایالت هسن آلمان هست بزنم. شهر دور افتاده‌ای بود و زمانی که از قطار پیاده شدم یک ایرانی به سمتم آمد و گفت اوستا شما اینجا چه کار می‌کنید؟! خیلی تعجب کردم. به هر حال هنوز هم آدم‌های زیادی هستند که ما را می‌شناسند و نسبت به ما محبت دارند.

برایتان سخت نیست؟ چون برخی هنرمندان از این‌که مردم مرتب به سمت‌شان می‌آیند و امضاء و عکس می‌گیرند، ناراحت می‌شوند؟

به نظرم هیچ دلیلی برای ناراحتی وجود ندارد، چون من از همین مردم هستم. به همین دلیل خوشایند نیست چنین نگاهی داشته باشم و خودم را از مردم جدا کنم. به قول معروف، مردم چهار تا کلمه هم با من صحبت کنند. مگر چه اتفاقی می‌افتد!

آقای پارسی فکر می‌کنم شما بچه میدان امام حسین باشید.

ماشاءا... از کجا می‌دانید خانم؟!

هنوز سری به محله کودکی‌تان می‌زنید؟ واکنش مردم نسبت به شما چطور است؟

بله، من با این‌که الان ساکن نارمک هستم، اما هرازگاهی سراغی از محله کودکی‌ام می‌گیرم. محرم‌ها با بچه محل‌ها جمع می‌شویم و یاد قدیم‌ها می‌کنیم.

از این‌که سال‌ها با هنرتان مردم را سرگرم کردید، راضی هستید؟

بله، مگر می‌شود راضی نبود. من خودم همیشه به شاگردانم تاکید می‌کردم همیشه به این مساله فکر کنند که چه هنری در وجود آنها بارزتر از هنرهای دیگر است و حتماً روی آن سرمایه‌گذاری کنند، چون هنر روح و روان آدم را شفاف می‌کند و انرژی مثبت می‌دهد.